

به سوی جوامع دانایی محور

■ رسول زوارقی^۱

عضو هیئت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تبریز و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران



- قاسمی، علی حسین. گزارش جهانی یونسکو (۲۰۰۵): به سوی جوامع دانایی محور.
- تهران، سمت، ۱۳۸۸، ۴۰۸ ص.
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۰-۳۶۹-۱

مقدمه

اطلاعات و دانش، در دهه‌های اخیر از جمله مفاهیمی هستند که جامعه جهانی حساسیت خاصی نسبت به آنها پیدا کرده است. عبارت‌های مختلفی چون جامعه اطلاعاتی، عصر اطلاعات، جامعه اطلاعات‌مدار، اطلاع‌شناسی، مدیریت اطلاعات، سواد اطلاعاتی و اطلاع‌باوری و در سویی دیگر عصر دانش، مدیریت دانش، دانش کار، جامعه دانش‌مدار، سواد دانشی و جوامع دانشی، همه و همه نشان‌دهنده تأثیر این نوع مفاهیم است. با وجود علاقه‌مندی خاص نسبت به این مفاهیم نسبتاً کلی، تعریفی جامع که همگان بر روی آنها اجماع داشته باشند، ارائه نشده است. با وجود این میزان توجه به این مباحث، روزبه‌روز افزایش می‌یابد. چنانکه حتی علاوه بر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حوزه‌های سیاسی نیز نسبت به این مفهوم علاقه نشان داده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که تاکنون دو نشست با ابتکار سازمان ملل در سطح سران درباره جامعه اطلاعاتی برگزار شده است. اولین نشست از دهم تا دوازدهم دسامبر ۲۰۰۳ در ژنو سوئیس و دومین نشست شانزدهم تا هجدهم نوامبر ۲۰۰۵ در شهر تونس برگزار شده است که نشان‌دهنده میزان اهمیت چنین مباحثی نزد سران کشورهاست. کتاب گزارش جهانی یونسکو: به سوی جوامع دانایی محور^۲ که در این سطور بررسی و معرفی می‌شود، شامل دیدگاه‌های سازمان علمی، فرهنگی، هنری ملل متحد (یونسکو) در زمینه جامعه اطلاعاتی است. این

گزارش جهانی در واقع با هدف تأثیرگذاری بر دیدگاه سران جهان در نشست جامعه اطلاعاتی تونس تدوین شده است تا بیانگر دیدگاه‌های یونسکو در زمینه جامعه اطلاعاتی باشد. آماده‌سازی این گزارش تحت نظارت «شورای گزارش جهانی» به ریاست فرانسوا ریویر^۳، دستیار دبیرکل در امور دفتر مدیر کل و با هماهنگی جروم بلیند و گروه کاری صورت گرفته است. در تدوین این گزارش از تحلیل و آثار اولیه بیش از ۸۹ صاحب‌نظر از سراسر جهان و رشته‌های مختلف (از مانوئل کاستلز مؤلف کتاب سه گانه جامعه اطلاعاتی تا پیتر اسکات) استفاده شده است.

در این معرفی سعی خواهد شد ضمن اشاره‌ای به مباحث این گزارش جهانی و انعکاس دیدگاه‌های یونسکو در زمینه جوامع دانشی، درباره ترجمه فارسی آن نیز نکاتی ارائه شود.

دیدگاه‌های یونسکو درباره جامعه اطلاعاتی

دیدگاه اصلی یونسکو در زمینه جامعه اطلاعاتی از همین عنوان گزارش مشخص می‌شود. استفاده از واژه «دانش» یا به قول مترجمان کتاب «دانایی»، در واقع نشانگر دیدگاه‌های خاص یونسکو در خصوص مباحث جامعه اطلاعاتی است. اصطلاح «جامعه دانشی» را پیتر دراگر در سال ۱۹۶۹ به کار برد، ولی این اصطلاح در دهه ۹۰ و به خصوص با تحقیقات مفصل پژوهشگرانی چون رابین مانسل^۴ و نیکو اشتر^۵ بود

که جایگاه خاص خود را به دست آورد. با وجود این، اصطلاح جوامع دانشی را یونسکو با مفهومی دیگر به کار برد و عنوان گزارش جهانی خود را در سال ۲۰۰۵ «به سوی جوامع دانش مدار» نامید. همان طور که ذکر شد، این کتاب، گزارش جهانی سازمان یونسکو است که دو هفته قبل از برگزاری دومین مرحله اجلاس سران جهان در خصوص جامعه اطلاعاتی که از شانزدهم تا هجدهم نوامبر ۲۰۰۵ در تونس برگزار شد، به منظور تأثیرگذاری بر این نشست و زیر نظر جروم بلیند منتشر شد.

این گزارش نخستین مجموعه از گزارش های جهانی یونسکو است که دو سال یک بار در خصوص موضوعات مورد نظر یونسکو، چون تنوع فرهنگی و توسعه پایدار منتشر می شود. گزارش جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۵ به پنج زبان رسمی یونسکو (انگلیسی، فرانسوی، اسپانیولی، روسی، عربی و چینی) منتشر و همزمان طی مراسم خاصی در سه شهر پاریس، بروکسل و نیویورک رونمایی شد. این گزارش را به نوعی می توان هشدار نسبت به فرصت ها و چالش هایی که به مدد فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در جهان حاصل شده اند، توصیف کرد.

پیش گفتار اصلی کتاب را که کوئیچورو ماتسورا، دبیر کل یونسکو نوشته، حاوی نکات برجسته ای است که و مباحثی مشابه آن را طی کنفرانس مطبوعاتی در اجلاس سران جامعه اطلاعاتی مراکش بیان کرده بود. وی در این پیش گفتار با اشاره به افزایش و پیچیدگی حوزه فعالیت های یونسکو با ظهور سومین انقلاب صنعتی یا انقلاب فناوری های جدید بر این واقعیت اذعان می کند که «امروزه دانش، هدف بخش های عظیم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نشان دهنده کیفیت جوامع در حال ظهور شناخته می شود». وی با اشاره به توافق کلی درباره عبارت «جوامع دانشی» به اختلافاتی که در زمینه تعریف محتوای این عبارت وجود دارد، اضافه می کند که «در اولین گزارش جهانی یونسکو تلاش می شود پاره ای نکات علمی و اخلاقی در رابطه با آنها ارائه شود»، نکاتی که منشأ حصول آنها این عقیده محکم بوده است که جوامع در حال ظهور فقط با اجزای یک جامعه اطلاعاتی جهانی بودن نمی توانند کاری از پیش ببرند.

ماتسورا با ذکر این نکته که منظور از جوامع دانشی، ظهور جوامع یک شکل و جهانی نیست، بلکه در این جوامع دانشی باید یک تنوع مقبول وجود داشته باشد، تلنگری به طرفداران ایده جهانی سازی می زند و استفاده از عبارت جوامع دانشی را مؤید چنین واقعیتی می داند. وی می نویسد که از نظر یونسکو عبارت جامعه اطلاعاتی نمی تواند گویای واقعیت و پیچیدگی جهان امروز باشد، به نحوی که همه کشورها بتوانند با تکیه بر فرهنگ و دانش محلی خود در این جوامع نقش داشته باشند. از این روست که وی به نوعی ترس و امید در طول این گزارش اشاره می کند. به نظر وی این گزارش از این جهت امیدبخش است که پتانسیل های ناشت گرفته از به کارگیری منطقی و هدفمند فناوری های جدید زمینه ساز دورنماهای واقعی بشر، توسعه پایدار، و ایجاد جوامع دموکراتیک تر است؛ و نگران کننده از این رو که موانع و دانش های موجود بر سر راه همگی کاملاً واقعی هستند. وی ضمن بیان این تهدیدات، نسبت به گسترده تر شدن شکاف دانش بین غنی ترین کشورها و کشورهای در حال توسعه، به خصوص کشورهای اندک توسعه یافته هشدار می دهد. وی ضمن توصیه به

اجتناب از بدبینی، استفاده از رویکرد آینده نگرانانه را در این زمینه توصیه می کند که هم به لحاظ منطقی و هم به لحاظ عقلی روشننگر است و ادامه می دهد که یونسکو سخنگاه^۷ و چهارراه، محلی برای هم اندیشی، تبادل و مباحثه بوده و متعهد به ابداع مسیریایی است که ضمن هدایت ما به سوی افق های مشترک، گوناگونی روش ها و سرعت پیشروی را تضمین می کند. ماتسورا با رد راه حل های ساده و یک سویه، خطوطی از اندیشه و عمل به منظور به کارگیری اطلاعات و ارتباطات در امر انتقال دانش را توجیه می کند. به زعم وی یونسکو با توجه به حوزه های توانمندی هایش دارای تجربه و مهارت های ارزشمندی برای مقابله با چنین چالشی است و انقلاب علمی و فنی قرن بیستم، بدی جدید به اختیارات این سازمان بخشیده است، زیرا چالش های پیچیده و راهبردی تر امروزی برانگیزاننده ترند. وی در این راستا بر ضرورت احیای یک نظام نامه برای هدایت جوامع دانشی در حال ظهور و یک نظام نامه آزاد و مسئولیت پذیر تأکید می کند که مبتنی بر اشتراک دانش باشد.

جوامع دانشی در گزارش جهانی یونسکو چنین تعریف شده است: «جوامعی هستند که منبعی برای توسعه انسانی و پایدار به شمار می روند. به عبارت دیگر یک جامعه دانشی جامعه ای است که با تنوع و قابلیت هایش شکوفا می شود». در این گزارش ضمن انتقاد به ایده جامعه اطلاعاتی تأکید می شود که نمی توان تصور کرد که انقلاب ارتباطات و اطلاعات به شکل احتمالی واحدی از جامعه منجر خواهد شد. همچنین از کسانی که اینترنت و ابزارهای چندرسانه ای را منتهی الیه جهان می پندارند و می خواهند که هر مفهومی از جهان را با آن مطابقت دهند، انتقاد شده و اظهار می شود که اهمیت آموزش و تفکر انتقادی بر این امر تأکید دارد که در ساخت جوامع دانشی واقعی، چشم اندازهای جدیدی که از طریق اینترنت و ابزارهای چندرسانه ای عرضه می شوند، نباید باعث شوند که علاقه ما به منابع سنتی دانش همچون مطبوعات، رادیو، تلویزیون و بالاتر از همه مدرسه از بین برود. اکثر مردم جهان بیش از دسترسی به رایانه و اینترنت، به کتاب، متون درسی و معلم نیاز دارند.

در این گزارش بر بررسی هم زمان شکل و زبان در کنار مسئله محتوا تأکید شده است، اما با ذکر این نکته که نباید صرفاً درباره تسخیر جهان توسط زبان انگلیسی یا سرنوشت زبان ها صحبت شود، بلکه بحث باید فراتر از اینها باشد، در خصوص افراط و تفریط و به حاشیه رفتن در این زمینه هشدار داده شده است. از نظر مؤلفان مسئله این است که باید فضایی برای شکل های محلی یا بومی دانش در درون جوامع دانشی که مدل های توسعه شان به شکل های مدون سازی خاص دانش علمی ارزش بالایی می دهند، ایجاد شوند. گزارش بر این مسئله تأکید می کند که هیچ کس نباید از جوامع دانشی، یعنی محلی که دانش یک کالای عمومی است و در اختیار تک تک افراد قرار دارد، کنار گذاشته شود. در چنین جوامعی علاوه بر تأکید بر نقش جوانان، به عنوان اولین کسانی که از فناوری های جدید استفاده می کنند، به نقش مسن ترها نیز تأکید می شود که به ما یادآوری می کنند که دانش چیزی نیست جز راهی به سوی خرد.

مؤلفان گزارش جهانی یونسکو ضمن توجه به تفاوت جوامع دانشی عصر اطلاعات با جوامع دانشی سنتی بر آزادی عقیده و بیان، حق تحصیل، و حق شرکت آزادانه در حیات فرهنگی اجتماع،



**در مدل مبتنی بر جوامع دانشی
که مورد نظر یونسکو است، برخلاف
سایر دیدگاه‌ها، توسعه یک هدف
محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً
ابزاری برای رسیدن به هدف
است. به عبارت دیگر هدف نهایی
توسعه، توسعه انسانی است
که پیش‌نیاز آن آزادی‌های اولیه
اساسی است نه آزادی‌های روی
کاغذ**

بهره‌مندی از هنرها و سهم‌شدن در پیشرفت علمی و مزایای آن تأکید خاصی دارند. همچنین بر این مسئله تأکید می‌کنند که اشاعه اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی فرصت‌های جدیدی را برای توسعه پدید می‌آورد و به نقش آن در تحولات در بخش‌های اقتصادی، نیروی انسانی (اشتغال)، و رونق تولید دانش اشاره می‌کنند.

در این کتاب ضمن مقایسه جوامع دانشی با جامعه اطلاعاتی بیان می‌شود که امروزه با ظهور یک جامعه اطلاعاتی جهانی روبه‌رو هستیم که فناوری در حدی فراتر از انتظارات، بر مقدار و سرعت انتقال اطلاعات افزوده است، ولی هنوز برای تحقق جوامع اصیل دانشی راهی طولانی در پیش است. داده حتی اگر اصلاح شده باشد، لزوماً معنادار نیست. تا وقتی که بخش‌های وسیعی از جمعیت جهانی از دسترسی به آموزش، فرصت‌های برابری برای بهره‌گیری بهینه از اطلاعات موجود همراه با تفکر و قضاوت انتقادی برای تحلیل، دسته‌بندی، و ادغام اقلامی که آنها را در یک پایگاه دانش از همه جالب‌توجه می‌یابند، محروم باشند، اطلاعات چیزی جز توده‌ای از داده‌های مبهم نخواهد بود. در این صورت بسیاری متوجه خواهند شد که به‌جای کنترل اطلاعات توسط آنان، اطلاعات است که آنان را در کنترل خود دارد. فزونی اطلاعات لزوماً به‌معنای دانش اضافی نیست. علاوه بر آن ابزارهایی که برای پردازش این اطلاعات به کار می‌روند، همیشه مهیا نیستند. در جوامع دانشی هر کس باید بتواند در میان جریان اطلاعاتی که ما را دربر گرفته، به‌آسانی حرکت کند و مهارت‌های تفکر انتقادی و شناختی را به‌منظور تمایز بین اطلاعات بافایده و بی‌فایده ایجاد کند. دانش مفید صرفاً آن دانشی نیست که بتوان در یک اقتصاد دانشی بلافاصله از آن بهره برد. از این رو در جامعه مبتنی بر دانایی، دانش بعد انسانی پیدا می‌کند.

گزارش جهانی یونسکو مدعی است که جوامع دانشی به ارائه تعریف جدیدی از توسعه منجر خواهد شد. در مدل مبتنی بر جوامع دانشی که مورد نظر یونسکو است، برخلاف سایر دیدگاه‌ها، توسعه یک هدف محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً ابزاری برای رسیدن به هدف است. به عبارت دیگر هدف نهایی توسعه، توسعه انسانی است که پیش‌نیاز آن آزادی‌های اولیه اساسی است نه آزادی‌های روی کاغذ؛

چنین توسعه‌ای زمینه‌ساز نوعی آگاهی مضاعف از مشکلات جهانی چون آسیب‌رساندن به محیط زیست، مخاطرات فنی، بحران‌های اقتصادی و فقر خواهد بود. در چشم‌انداز جوامع دانشی علاوه بر اینکه کشورهای شمال (توسعه‌یافته) می‌توانند نقش آفرینی کنند، زمینه‌ای برای توسعه کشورهای جنوب (در حال توسعه یا توسعه‌نیافته) باز خواهد شد. این گزارش پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌های آموزش، پژوهش علمی و فناوری‌های جدید را تا حد بسیاری پراکنده و با جزمیت قومی توصیف کرده و ادعا می‌کند که این تأثیر کوتاه‌مدت ناشی از ترویج فناوری‌های جدید در آموزش و یادگیری، ممکن است به غفلت از مطالعه عمیق‌تر مضامین جدید آموزش، کیفیت و قالب‌بندی‌های آنها منجر شود و در این زمینه هشدار می‌دهد.

در این گزارش ضمن پرهیز از ارائه مدلی واحد از جوامع دانشی برای کشورهای در حال توسعه با چشم‌اندازی تاریخی، به آنها یادآوری می‌شود که موقعیت‌های کسب‌شده در بسیاری از کشورها عمدتاً حاصل تلاش‌های صبورانه و هماهنگ در حوزه‌های راهبردی پژوهش علمی و پیاده‌سازی نظام‌های مؤثر در امر نوآوری است. پیش‌بینی این گزارش درباره اینترنت نیز تقسیم کوتاه‌مدت آن به

**از نظر این گزارش
 کتابخانه‌ها در جایگاه
 یک مرکز فرهنگی
 و محل تهاتر دانش
 واقعی می‌توانند نشانه
 نوعی درگاه برای
 دانش جدید باشد که
 اغلب مانند نقطه پیوند
 و تلاقی بین دانش
 محلی و جهانی عمل
 می‌کنند**



میزبانی اینترنت درجه یک، دو و سه است. شاهد چنین مدعایی نیز ایجاد زیرساخت ملی و منطقه‌ای است که فقط برای سازمان‌هایی که توان پرداخت هزینه را دارند، قابل دسترس است و پروژه آبیین^۱ یکی از نمونه‌های آن است.

این گزارش همچنین به بعضی از چالش‌هایی که جوامع دانشی را تهدید می‌کند، اشاره کرده است. از جمله شکاف روزافزون یا به عبارت بهتر شکاف‌های دیجیتالی در دسترسی به اطلاعات، آموزش، پژوهش‌های علمی و تنوع فرهنگی زبانی. در این گزارش علاوه بر اشاره به شکاف بین کشورهای شمال و جنوب، شکاف‌های داخلی جامعه‌ای معین نیز یکی از چالش‌های اساسی تحقق جوامع دانشی مطرح می‌شود، زیرا «مواجهه با دانش به تبحر نیز منجر می‌شود». به نظر مؤلفان این گزارش، رفع شکاف دیجیتال برای رفع شکاف دانشی کفایت نمی‌کند، چراکه دسترسی به دانش مفید و مرتبط بیشتر موضوعی زیرساختی است و به مهارت‌آموزی، مهارت‌های شناختی و چارچوب‌های نظارتی هم‌ساز با دسترسی به محتوا بستگی دارد. پیوند دادن جمعیت‌ها با فیبر نوری هیچ فایده‌ای ندارد، مگر اینکه با رشد و تکوین مهارت‌ها و نیز تلاش‌ها برای ایجاد محتوای مناسب با آن تماس^۲ متناسب باشد. از دیگر چالش‌هایی که در این گزارش نسبت به آن هشدار داده شده است، خطر کالاشدگی بیش از حد دانش است. از نظر نگارندگان، انتقاد و نگرانی درباره تبدیل دانشی که در پایگاه‌های داده و موتورهای جست‌وجو پردازش می‌گیرند به دانشی که فاقد ابعاد انسانی باشد کم نیست؛ دانشی که به عنوان افزار «علمی فنی» در فرایند تولید ادغام شده و به یکی از شروط توسعه تبدیل شد؛ یعنی بخشی از مبارزه برای رسیدن به قدرت یا رسیدن به یک ابزار نظارتی. چنین پدیده‌ای تهدیدی جدی برای تنوع فرهنگ‌های شناختی خواهد بود، زیرا در این دیدگاه شکل‌های خاصی از دانش فنی، مهارت بومی و محلی، کم‌ارزش‌تر از دانش علمی و فنی شمرده می‌شوند. به‌زعم این گزارش، دانش یک کالای عمومی است و بنابراین موضوع کالاشدن دانش باید به‌صورت جدی بررسی شود. در لابه‌لای این گزارش جهانی بعضی از مباحث مطرح شده است

که به‌نظر نگارنده این سطور می‌تواند برای خوانندگان مفید باشد. یکی از مباحثی که در این کتاب به آن پرداخته شده، کتابخانه‌ها و جایگاه آنها در جوامع دانشی است. به‌زعم این گزارش در جوامع دانشی، کتابخانه‌ها، چه تخصصی چه عمومی، که بیش از پیش مکانی بین جهان فیزیکی و فضایی مجازی قرار دارند، مجبور خواهند بود با حجم انبوهی از مستندات کار کنند. در برخی از محافل تصور می‌شد که شکوفایی فناوری اطلاعات به عمر کتابخانه‌ها پایان می‌بخشد، اما آنچه اکنون در بسیاری از کشورها شاهدیم، رونق واقعی کتابخانه‌های عمومی بزرگ است. کتابخانه‌ها که فاصله زیادی با اضمحلال دارند، در صورت وجود منابع مالی به‌سرعت تغییر می‌کنند. اگر بحرانی هم در زمینه بقای آنها وجود داشته باشد، بیشتر به رشد و توسعه آنها مربوط است تا چیز دیگر. از این‌رو برای کتابخانه‌های بسیار غنی مستقر در جوامع دانشی باید از عبارت کتابخانه رسانه‌ای^۳ استفاده کرد. با سازگاری کتابخانه‌ها با منطق شبکه‌سازی، آنها جایگاه محوری در چالش‌های اقتصادی پارادایم جدید اطلاعاتی به خود اختصاص می‌دهند. از این‌رو باید نقش مهمی در از بین بردن شکاف دیجیتالی ایفا کنند.

در این گزارش به کتابخانه‌ها توصیه شده است با کمک به اشاعه دانش، به یکی از عوامل تعیین‌کننده در توسعه تبدیل شوند که این امر باید با کاهش قطبی شدن شدید جهان از نظر دسترسی به کالاهای فرهنگی و اطلاعات همراه باشد. از نظر این گزارش کتابخانه‌ها در جایگاه یک مرکز فرهنگی و محل تهاتر دانش واقعی می‌توانند نشانه نوعی درگاه برای دانش جدید باشد که اغلب مانند نقطه پیوند و تلاقی بین دانش محلی و جهانی عمل می‌کنند. تکیه کتابخانه به شبکه محلی به آن این امکان را می‌دهد که نقش عمومی خود را در وساطت فرهنگی و اجتماعی و در شکل دادن و انتقال دانش‌های متنوع ایفا کنند. بنابراین کتابخانه ابزاری اساسی برای ترویج تنوع فرهنگی و زبانی خواهد بود، هم با محدود کردن خود به کارکرد میراثی و هم با فراهم کردن امکان ادغام این تنوع در فعالیت‌های زنده کنونی. نگارندگان گزارش جهانی یونسکو معتقدند که در جوامع یادگیرنده مبتنی بر یادگیری مادام‌العمر، کتابخانه‌ها باید یادگیری را در همه سطوح ترویج و تسهیل کنند. کتابخانه‌ها می‌توانند فرایندهای یادگیری را که مطابق با شرایط فردی طراحی و ترسیم می‌شوند، به‌نحو چشم‌گیری تسهیل کنند. از این‌رو کتابخانه از نوع بسیار آن گرفته تا کتابخانه‌های عظیم، ستون گردش اجتماعی دانش و عامل بقای شبکه‌های یادگیری باقی خواهند ماند (ص ۱۰۱-۱۰۵). همچنین در این گزارش دیدگاه‌های خاصی در زمینه فرار مغزها و آینده آموزش عالی ارائه شده است که مطالعه آنها می‌تواند افق‌های فراوانی را به روی خوانندگان بگشاید.

این گزارش در پایان با توصیه‌هایی همراه است که نتیجه کلی مباحث عرضه‌شده در این گزارش جهانی را در خصوص جوامع دانشی مطرح می‌سازد:

۱. به منظور تضمین فرصت برابر در آموزش با کیفیت عالی برای همه، بیشتر سرمایه‌گذاری کنید؛
۲. مکان‌های دسترسی جامعه به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی را افزایش دهید؛
۳. محتوای موجود را برای دسترسی جهانی به دانش وسعت بخشید؛

۴. برای اشتراک بهتر دانش علمی، به ایجاد هم‌آزمونگاه‌ها^{۱۱} اقدام کنید؛
۵. برای توسعه پایدار، دانش زیست‌محیطی را به اشتراک بگذارید؛
۶. تنوع زبانی را در اولویت قرار دهید: چالش‌های مربوط به تنوع زبانی جهانی؛
۷. در جهت تصدیق دانش بر روی اینترنت حرکت کنید: برچسب‌های کیفیت؛
۸. اقدام به مشارکت برای همبستگی‌های دیجیتالی را شدت بخشید؛
۹. نقش زنان را در جوامع دانشی افزایش دهید؛
۱۰. دانش را اندازه‌گیری کنید: به سوی شاخص‌های جوامع دانشی.

ساختار کتاب

این کتاب از پیش‌گفتار، درآمد و ده فصل تشکیل شده است. کتاب در نهایت با ارائه توصیه‌هایی درباره جوامع دانشی پایان می‌یابد. متن اصلی به زبان انگلیسی کتاب ۲۲۶ صفحه و کتاب ترجمه شده ۴۰۰ صفحه است.

در فصل اول، «از جامعه اطلاعاتی تا جوامع دانشی» بر لزوم تقویت دو رکن جامعه اطلاعاتی جهانی، یعنی دسترسی به اطلاعات برای همه و آزادی بیان تأکید شده است. در فصل دوم، «جوامع شبکه‌ای، دانش و فناوری‌های جدید»، به دگرگونی‌های فنی ناشی از سومین انقلاب صنعتی یا انقلاب فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی که بشر را در آستانه عصر جدید دانش دیجیتال قرار داده است، اشاره شده و می‌خواهد به این سؤال جواب دهد که آیا در بحبوحه انتقال از جوامع حافظه‌ای^{۱۲} به جوامع دانشی هستیم؟

در فصل سوم، «جوامع یادگیرنده»، به این مسئله اساسی می‌پردازد که تغییرات تکنولوژیک چگونه باعث تغییر محوریت تدریس و آموزش از دارندگان دانش به کسانی که در پی کسب آن هستند، شده است و تأکید می‌شود که امروزه یادگیری تنها به بخش آموزشگاهی و دانشگاهی منحصر نیست، بلکه هر سازمان، خواه انتفاعی خواه غیرانتفاعی، باید بعد یادگیری را تقویت کند. بنابراین جوامع یادگیرنده شامل سطوح اقتصادی و آموزشی نیز می‌شوند. در فصل چهارم، «به سوی آموزش مادام‌العمر برای همه»، ضمن اشاره به آموزش‌های اولیه و بزرگسالان، آموزش مادام‌العمر را به عنوان پاسخی به بی‌ثباتی فزاینده اشتغال و حرفه‌ها مطرح می‌کند.

فصل پنجم، «آینده آموزش عالی»، بر مهارت‌آموزی و به‌خصوص نقش بنیادی مؤسسات آموزش عالی که تغییر بی‌سابقه‌ای در الگوهای سنتی تولید، توزیع و کاربرد دانش پدید آورده است، می‌پردازد و در زمینه همگانی کردن آموزش عالی بحث می‌کند. در این گزارش ضمن اشاره به ورود بخش خصوصی به آموزش عالی، به‌ویژه در کشورهای فاقد پیشینه دانشگاهی، هشدار می‌دهد که چنین کاری موجب ضربه خوردن به نظام دانشگاهی اینگونه کشورها می‌شود و تأکید می‌کند که برای کسب اطمینان از اهمیت و تناسب نظام‌های در حال ظهور آموزش عالی، همکاری علمی بهتری لازم است. فصل ششم، «علم، مردم و جوامع دانشی»، به نقش مردم در زمینه مباحث ارائه‌شده در زمینه مخاطرات و مزایای کاربرد فناوری‌های جدید و فواید پژوهش‌های علمی به‌خصوص در حوزه‌های زیست‌فناوری و نانوفناوری‌ها می‌پردازد. به اعتقاد نگارندگان این گزارش در جهان

امروز که مسائلی چون غذا، مسائل جمعیت و محیط زیست از مسائل جدی و چالش‌برانگیزند، حضور فزاینده علم و فناوری بیش از پیش در کانون مباحثات سیاسی و اخلاقی قرار می‌گیرد. چنین وضعی موجب افزایش اهمیت کمیته‌های اطلاعاتی، آموزش‌های علمی، و تلاش‌های موفقیت‌آمیز برای ارتقای آگاهی عمومی می‌شود که همگی به پوشش مؤثر رسانه‌ای در موضوع علم و فناوری بستگی دارند.

در فصل هفتم تحت عنوان «علم، مردم و جوامع دانشی»، مسائلی چون حاکمیت مناسب برای علم و فن‌آوری، بحران در آموزش علم، و پرورش یک فرهنگ علمی مطرح می‌شوند. فصل هشتم، «امنیت انسانی و ریسک‌ها در جوامع دانشی»، مسائلی چون امنیت انسانی و ریسک‌ها را بررسی می‌کند. فصل نهم، «دانش محلی و بومی، تنوع زبانی و جوامع دانشی»، خواهان پاسخ به این سؤال کلی است که آیا جوامع دانشی کنونی موجب تسریع همگن‌سازی فرهنگ‌ها می‌شوند و در این خصوص به مسائلی چون چندزبانگی، محو بعضی زبان‌ها، به حاشیه رانده شدن سنت‌ها و فرهنگ‌های آسیب‌پذیر می‌پردازد.

در فصل دهم، «از دسترسی تا مشارکت: به سوی جوامع دانشی برای همه»، تعریف و فهمی جدید از دانش ارائه می‌شود که عاملی برای محرومیت نیست، بلکه زمینه‌ساز مشارکت کامل عمومی است. جوامع دانشی با وجود شکاف‌های دانشی با محرومیت بالقوه‌ای روبه‌رو می‌شود که در صورت رشد جوامع دانشی در آن جهت، به اقتصاد دانشی یا جامعه اطلاعاتی تقلیل و تبدیل می‌شود. بدون ترویج اصول اخلاقی جدید دانشی بر مبنای اشتراک یا همکاری، گرایش پیشرفته‌ترین کشورها به سرمایه‌گذاری برای پیشرفت خود، به محرومیت فقیرترین ملت‌ها از پاره‌ای‌های دانشی مانند دانش نوین پزشکی و کشاورزی منجر شده و فضایی ایجاد می‌گردد که مانع از رشد دانش می‌شود. بنابراین یافتن موازنه‌ای میان حفاظت از دارایی فکری و ترویج قلمرو عمومی دانش ضروری خواهد بود.

این کتاب را دکتر علی حسین قاسمی^{۱۳} و سیروس آزادی ترجمه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) به عنوان منبع اصلی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی برای دروس «جغرافیای سیاسی اطلاعات» در مقطع دکتری و دروس «جهانی‌شدن و جامعه اطلاعاتی»، «مدیریت اطلاعات و دانش» و «اینترنت و شبکه‌های اطلاعاتی» در مقطع کارشناسی ارشد به ارزش دو واحد در تابستان سال ۱۳۸۸ منتشر کرده است. دکتر قاسمی دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد در مقطع دکتری رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی است که سابقه تألیف، ترجمه و ویرایش کتاب‌های دانشگاهی و مقالات را در کارنامه خود دارد.

دکتر فتاحی، استاد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد و رئیس انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران در مقدمه‌اش بر این کتاب، ضمن اشاره به اهمیت دانش در جوامع بشری و تحولات صورت گرفته در آن، درباره این کتاب می‌نویسد: «گزارش سال ۲۰۰۵ با عنوان به سوی جوامع دانش محور یک گزارش جهانی است که در واقع دغدغه این سازمان و اعضای آن، به‌ویژه کشورهای در حال رشد، را بازمی‌تاباند. بیم کشورهای در حال رشد از پسرقت علمی و آموزشی در مقایسه با کشورهای پیشرفته و در نتیجه عقب‌ماندن از نهضت دانشی عصر جدید آنها را بر آن داشته که به مقوله جایگاه دانش در توسعه

نگارندگان گزارش جهانی

یونسکو معتقدند که در

جوامع یادگیرنده مبتنی

بر یادگیری مادام‌العمر،

کتابخانه‌ها باید یادگیری

را در همه سطوح ترویج و

تسهیل کنند. کتابخانه‌ها

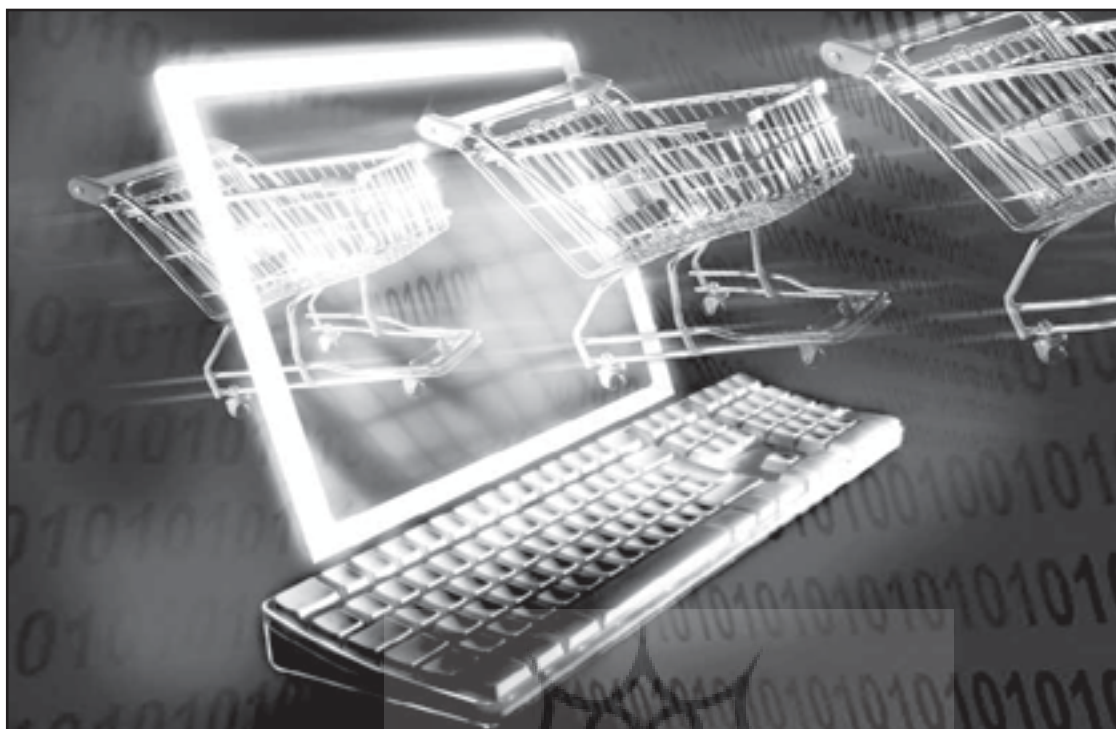
می‌توانند فرایندهای

یادگیری را که مطابق با

شرایط فردی طراحی و

ترسیم می‌شوند، به‌نحو

چشم‌گیری تسهیل کنند



وی با اشاره به توانمندی‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در فرایند مدیریت دانش، به‌واسطه دانش‌مداری و دانش‌ورزی، پیشنهاد می‌کند که مدیران سازمان‌ها نیز از الگو و مدل‌های مورد استفاده در کتابخانه در طراحی ساختار و فرایندها و وظایف سازمان استفاده کنند

«فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای توسعه»^{۱۳} فراهم می‌آورد که کمی پیشرفته‌تر از نسخه قدیمی مدرنیزاسیون مورد انتقاد کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته بود. همچنین از جمله اشکالات جزئی که نگارنده این سطور در مطالعه این اثر مشاهده کرد و ارتباطی نیز به ترجمه ارائه شده از آن ندارد، عدم یکدستی میان دو عبارت «جامعه دانشی» و «جوامع دانشی» است. با وجود اینکه در چند جای کتاب صراحتاً بر «جوامع دانشی» تأکید شده و از آن به‌عنوان نشانی از محلی، بومی و تکثرگر بودن چنین جوامعی یاد شده است، در چند جا (مثل ص ۱۲) از عبارت «جامعه دانشی» استفاده شده است.

نگاهی انتقادی به ترجمه اثر

مترجمان در ترجمه این کتاب زحمات ارزنده فراوانی را متقبل شده‌اند. با وجود این در بعضی از بخش‌ها ترجمه این کتاب با مشکلاتی روبه‌رو بوده است که در این بخش به مهم‌ترین آنها می‌پردازیم. مترجمان در بعضی موارد برای ترجمه عبارت‌های مثبت از معادل‌های منفی و برای ترجمه عبارت‌های منفی از معادل‌های مثبت یا لاقل خنثی استفاده کرده‌اند که در بعضی موارد، معنای متن مخدوش شده است. برای مثال مترجمان «فاصله» را معادل واژگانی برای دو واژه "Distance" و "Gap" در نظر گرفته‌اند که با توجه به بار معنایی منفی واژه "Gap" در معنای مفهیمی چون "digital gap" و عباراتی مانند آن، می‌تواند ذهن خواننده را با تردید روبه‌رو سازد (ص ۵). همچنین با توجه به بار نسبتاً منفی واژه‌های چون «رویاری» در جمله «یونسکو سخنگاه و چهارراه، محلی برای رویاری»، تبادل و مباحثه بوده و متعهد به «... رویاری را معادل واژه "Meeting" به کار برده‌اند که معادل مناسبی در این بستر نمی‌تواند باشد (ص ۶).

علمی عمیق‌تر بنگرند و عوامل و مؤلفه‌های آن را بکاوند». به نظر وی برجسته‌ترین نکته در این اثر توجه یونسکو به جایگاه مردم در جامعه دانش محور است و مقوله‌هایی چون آزادی بیان، حاکمیت بر علم و فناوری، آموزش پایه برای همه، امنیت انسانی، حقوق بشر، مبارزه با فقر، حفظ دانش محلی و بومی، تنوع زبانی، تکثرگرایی زبان در جوامع دانشی و به سوی جامعه دانشی را شواهدی دال بر این مدعا می‌داند. وی با اشاره به توانمندی‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی در فرایند مدیریت دانش، به‌واسطه دانش‌مداری و دانش‌ورزی، پیشنهاد می‌کند که مدیران سازمان‌ها نیز از الگو و مدل‌های مورد استفاده در کتابخانه در طراحی ساختار و فرایندها و وظایف سازمان استفاده کنند. وی در نهایت رویکرد عقلانی در تحقق جامعه دانشی، به‌ویژه از سوی دولت‌ها، را برای تحقق مباحث کتاب توصیه می‌کند.

نگاهی انتقادی به کتاب

این کتاب نیز همانند سایر کتاب‌های منتشر شده در حوزه علوم انسانی طرفداران و منتقدانی دارد. اما تنها نقد مکتوب قابل توجه را بر این گزارش جهانی ووا لی^{۱۴} نوشته است. وی که یکی از استادان ارتباطات دانشگاه غنت^{۱۵} بلژیک است، در نقد این کتاب مقاله‌ای در دایره‌المعارف پیوسته بریتانیکا نگاشته است. وی در این مقاله ایده جوامع دانشی ارائه شده از سوی یونسکو را در این گزارش جایگزینی برای گفتمان سرسخت^{۱۶} جامعه اطلاعاتی معرفی می‌کند. به نظر وی، یونسکو در این گزارش با اعلام وفاداری نسبت به مفهیمی چون منطق اقتصاد مبتنی بر دانش (در زمینه آموزش و یادگیری، جهانی شدن و توسعه)، عملاً به ساخت گفتمان جامعه اطلاعاتی صحنه می‌گذارد و استفاده از «جوامع دانشی» به جای «جامعه اطلاعاتی» نوعی تغییر واژگان است. لی معتقد است که هم‌گرایی مفهیمی چون جامعه اطلاعاتی، اقتصاد مبتنی بر دانش و تفکر نئولیبرال، بستری گفتمانی برای مفهوم

جمله

A knowledge society should be able to "integrate all its members and to promote new forms of solidarity involving both present and "future generations

اینچنین ترجمه شده است: «یک جامعه دانشی باید بتواند همه اعضایش را یکپارچه و همگن کرده و شکل های جدیدی از یکپارچگی را که دربرگیرنده نسل های کنونی و آینده هستند، ترویج کند» (ص ۱۹).

همان طور که مشاهده می شود معادلی که برای "Integrate" گذاشته شده است، عبارت «یکپارچه و همگن» است. حال آنکه در جای جای کتاب، به ما در زمینه «همگن سازی جامعه» که یکی از ویژگی های جامعه اطلاعاتی است، هشدار داده می شود. بنابراین استفاده از واژه همگن در اینجا نمی تواند گویای معنای واقعی باشد و ذهن خواننده را مشوش کرده و این گمان به او دست می دهد که در کتاب تناقض وجود دارد. یا اینکه در همین جمله به جای واژه "solidarity" دوباره از یکپارچگی استفاده کرده است. در صورتی که مترجمان در صورت استفاده از واژه های چون «انسجام» بهتر می توانستند مفهوم اصلی جمله را به خواننده منتقل کنند. یا در صفحه ۱۷ عبارت "learning to be" را «یادگیری بودن» معادل گذاری شده است. در صورتی که «یادگیری برای بودن» می توانست معادل بهتری برای این مفهوم باشد.

در ترجمه عبارت

It is becoming increasingly clear that any organization, whether for-profit or not, will have to strengthen its "learning" dimension, to the point where the number of knowledge places and media is bound to rise in the countries of the North as well as of the South

آمده است: اینک بیش از پیش روشن می شود که هر سازمان، خواه انتفاعی یا غیرانتفاعی، باید بعد «یادگیری» اش را تقویت کند، تا جایی که تعداد رسانه ها و مکان های دانشی در کشورهای شمال، همانند کشورهای جنوب، رو به افزایش گذارد (ص ۲۵).

نگارنده این سطور هنگام خواندن این جمله با تناقضی روبه رو شد. همان طور که می دانیم تعداد رسانه ها و مکان های دانشی در کشورهای شمال یا توسعه یافته، بسیار بیشتر از کشورهای جنوب یا در حال توسعه است، حال آنکه در ترجمه ارائه شده آمده است که «... تعداد رسانه ها و مکان های دانشی در کشورهای شمال همانند کشورهای جنوب رو به افزایش گذارد». از این رو با مقابله متن اصلی با متن ترجمه شده مشخص شد که معادل انتخاب شده برای عبارت "as well as" موجب بروز این اشتباه فاحش شده است. معادل بکاررفته برای این عبارت «همانند» است، در صورتی که اگر از معادل «و نیز» یا واژه هایی مانند آن استفاده شده بود، این اشتباه فاحش پیش نمی آمد.

یا در جای دیگر در ترجمه متنی که به پروژه درس افزار باز مؤسسه فناوری ماساچوست اشاره شده است، به جای استفاده از واژه «دانشجو» از «دانش آموز» برای "student" استفاده شده است (ص

۱۳۸) که به نوعی ذهن خواننده را مشوش می کند.

عدم استفاده از معادل های فارسی روان در متن نیز یکی دیگر از اشکالاتی است که در متن مشاهده شد. برای نمونه از پلورالیسم به جای تکثرگرایی، آزادی گفتار به جای آزادی بیان، قدرت بخشی به جای توانمندسازی و رشد به جای توسعه استفاده شده است. یکی دیگر از مشکلات این اثر یکدست نبودن معادل های بکاررفته برای واژگان لاتین است. برای مثال در عنوان کتاب برای "Knowledge"، معادل «دانایی» انتخاب شده، در حالی که در متن کتاب معادل «دانش» در نظر گرفته شده است. همچنین با توجه به تعداد قابل توجه نمودارها، تصاویر و جعبک ها^{۱۸} و اطلاعات سودمند آنها می توان گفت استفاده از فهرست جعبک ها، و شکل ها می توانست به خواننده در دسترسی آسان تر به مطالب درخواستی کمک بیشتری کند.

پی نوشت ها:

1. zavaqaqi@tabrizu.ac.ir
 2. Towards Knowledge Societies: UNESCO World Report
 3. Francoise Riviere
 4. Robin Mansell
 5. Nico Stehr
 6. Jerome Blinde
 7. Forum
 8. Abiline
- پروژه ایبیلین شبکه ای با عملکرد بالاست که کنسرسیوم دانشگاهی توسعه اینترنت پیشرفته (UCAID) در پشتیبانی از اینترنت ۲ ایجاد کرده است و سرعت آن به ده گیگابایت در ثانیه می رسد.
9. Connectivity
 10. Media Library
 11. collaboratories= laboratory+ collaborative
 12. Memory Societies
 13. http://ghassemi.googlepages.com
 14. Veva Leye
 15. Ghent University
 16. Die-Hard
 17. ICT4D: Information and Communication technologies for development
 18. Box

مآخذ

۱. به سوی جوامع دانایی محور: گزارش جهانی یونسکو (۱۳۸۸). ترجمه: علی حسین قاسمی و سیروس آزادی، تهران: سمت.
2. Towards knowledge societies: UNESCO world report (2005). Paris: UNESCO Publishing
3. Leye, Veva (2007) UNESCO'S ROAD TOWARD KNOWLEDGE SOCIETIES. – Britannica Online Encyclopedia. http://www.britannica.com/bps/additionalcontent/18/28513893/UNESCOS-ROAD-TOWARD-KNOWLEDGE-SOCIETIES

عدم استفاده از

معادل های فارسی

روان در متن نیز یکی

دیگر از اشکالاتی

است که در متن

مشاهده شد. برای

نمونه از پلورالیسم

به جای تکثرگرایی،

آزادی گفتار

به جای آزادی بیان،

قدرت بخشی به جای

توانمندسازی و رشد

به جای توسعه استفاده

شده است